



سرمقاله

## وظیفه ما کمونیستها

### در مبارزه علیه فاشیسم داخلی و دخالت خارجی در امور داخلی کشور



در شرایط امروز ایران که جامعه در یکی از پیچیده‌ترین و حساس‌ترین دوره‌های تاریخی خود قرار گرفته، نقش نیروهای انقلابی و کمونیست بیش از هر زمان دیگری مهم و تعیین کننده است. از یک سو، جنگ و دخالت نظامی کشورهای امپریالیست نه تنها زیرساخت‌های کشور بلکه زندگی میلیون‌ها انسان را نابود کرده، و از سوی دیگر، ساختار داخلی قدرت با سرکوب سیاسی، سرکوب آزادی‌ها، اعدام‌های روزانه و اجرای سیاست‌های اقتصادی غارتگرانه، فشار سنگینی بر طبقات فرودست وارد کرده است. این وضعیت باعث شده که کارگران، زحمتکشان و نیروهای مترقی همزمان با دو تهدید جدی روبه‌رو شوند: تهدید بیرونی که به شکل جنگ و مداخله نظامی کشورهای امپریالیستی ظاهر می‌شود و تهدید درونی که به شکل استبداد، فاشیسم، نابرابری، بی‌عدالتی و کشتار، خود را نشان می‌دهد.

یکی از مهم‌ترین و در عین حال خطرناک‌ترین تبلیغات همه جانبه امپریالیستی، گسترش حس ناامیدی و ناتوانی در میان بخشی از جامعه است. تجربه سرکوب اعتراضات و شکست تلاش‌های اصلاح طلبانه باعث شده که برخی به این نتیجه برسند که تغییر از درون ممکن نیست و باید منتظر دخالت خارجی بود. رسانه‌های وابسته به قدرت‌های خارجی و نوکر صفت اپوزیسیون راستگرا مانند سلطنت طلبان و غیره... نیز این ذهنیت را تقویت و مداخله خارجی را به عنوان راه حل نجات‌بخش معرفی می‌کنند.

در نتیجه، یک نگاه دوگانه و فریب دهنده به جامعه تحمیل شده است؛ به این معنا که یا باید برای دفاع از کشور از رژیم حمایت کرد، یا برای رهایی از رژیم به دخالت خارجی امید بست. اما این نه تنها نادرست می‌باشد، بلکه به طور مشخص در خدمت ادامه دخالت خارجی و در عین حال تحکیم رژیم فاشیستی ایران است. نگاه مارکسیستی این دو گزینه را رد می‌کند، زیرا حمایت از دولت فاشیستی جمهوری اسلامی، به معنای فعالیت در جهت تحکیم و ماندگاری نظام سرمایه‌داری و رژیم فاشیستی آن است. امید بستن به دخالت خارجی نیز به تحکیم نظام سرمایه‌داری، به ویرانی کشور و وابستگی بیشتر می‌انجامد، کما اینکه ما شاهد نمونه‌های فراوانی از نتیجه چنین سیاستی در جهان هستیم.

اگر ما هر دو گزینه را رد می‌کنیم، چه سیاستی را جای آن می‌نشانیم و عمل می‌کنیم: مبارزه علیه هر دو نیروی سرمایه‌داری درگیر جنگ. نیروهای یک جانب جنگ، در جهان و در داخل کشورهای خود فاشیسم اعمال می‌کنند (آمریکا و اسرائیل) و دیگری در داخل کشور نیروهای کار و زحمت و متری را تحت سلطه فاشیستی قرار داده است (ایران). دو جانب این جنگ نمایندگان بورژوازی فاشیستی هستند که هر کدام به تعدادی از کنسرن‌های بین‌المللی وابسته‌اند.

این جنگ را باید در خدمت منافع اقتصادی و رقابت‌های قدرت‌های بزرگ امپریالیستی دانست. جنگ ابزاری است برای گسترش نفوذ، کنترل منابع و تحمیل نظم اقتصادی مورد نظر قدرت‌های امپریالیستی جهانی. آمریکا در این جنگ می‌خواهد ایران را به تسلیم وادارد و به عنوان عامل خود در خاورمیانه، چین را مورد تهدید قرار دهد تا بتواند پای خود را در منطقه محکم نماید. رژیم ایران نیز که به سازمان خدماتی کنسرن‌های چینی و روسی تبدیل شده است، برای ماندگاری نمی‌تواند به آمریکا تکیه کند بلکه به چین و روسیه که اقتصاد شکوفائی هم دارند تکیه می‌کند.

کشورهای امپریالیستی همیشه دخالت خود در کشورهای دیگر را معمولاً با شعارهایی مانند آزادی، دموکراسی یا حقوق بشر توجیه می‌کنند. اما تجربه کشورهای مختلف نشان داده است که نتیجه چنین مداخلاتی اغلب چیزی جز تخریب زیرساخت‌ها، افزایش فقر، آوارگی کارگران، زحمتکشان، نیروهای مترقی اجتماعی و از بین رفتن استقلال کشورها نیست. در چنین شرایطی، بیشترین آسیب را همین اقشار محروم و پایین جامعه باید تحمل کنند، چون نه امکان فرار دارند و نه منابعی برای بازسازی زندگی خود. اساساً اولین هدف تاکتیکی دخالت نظامی نیروهای سرمایه‌داری در کشور دیگر، انهدام صنایع و نیروهای مولده آن کشور است. به بیان دیگر در درجه اول صنایع و کاشانه و زندگی کارگران و زحمتکشان آن کشور هدف تخریب است.

دخالت نظامی آمریکا - اسرائیل در ایران، باعث فروکش مبارزه طبقاتی داخلی گشته است. اگر تا پیش از جنگ مردم علیه رژیم یورش می‌بردند، اکنون گذشته از رژیم، در تقابل با نیروهای خارجی قرار گرفته‌اند. به همین جهت عقب مانده‌ترین اقشار و نیروهای اجتماعی برای راندن دشمن خارجی با رژیم فاشیستی داخلی کنار می‌آیند. و این باعث می‌شود، مبارزه طبقاتی داخلی پشت صحنه برود.

دقیقا در چنین شرایطی است که اولاً دولت ایران در صحنه بین‌المللی از انفراد خارج شده و در داخل با برجسته کردن خطر جنگ، سرکوب داخلی و اعدام‌های هر روزه را توجیه نموده، فضای سیاسی را تنگتر کرده و هر اعتراضی را به بهانه امنیت ملی سرکوب می‌نماید. علاوه بر این، سیاست‌های اقتصادی‌ای که سال‌ها اجرا گردیده، مانند خصوصی‌سازی، کاهش خدمات اجتماعی و محدود کردن حقوق کارگران، باعث شده هرروز فشار بر کارگران و زحمتکشان و اقشار میانه خرده بورژوازی بیشتر شود.

اگر این درست است که اکنون در مقابل طبقه کارگر و اقشار مترقی دو دشمن قدار فاشیستی ایستاده‌اند؛ نیروهای نظامی خارجی و دولت فاشیستی داخلی، و اگر مبارزه علیه هر دو این نیروهای جهنمی ضروری‌ست، لبه تیز حمله علیه کدام یک از این‌ها باید باشد. مبارزه ارچه علیه کدامیک از این دو نیروی داخلی و خارجی به پایان دادن جنگ، ایجاد رفاه برای کارگران و زحمتکشان و آزادی اکثریت مردم این جامعه می‌انجامد؟

ما معتقدیم که لبه تیز حمله و مبارزه باید علیه رژیم فاشیستی جمهوری اسلامی و در جهت ایجاد ساختار سوسیالیسم و برپائی دیکتاتوری پرولتاریا باشد. فقط پرولتاریای در قدرت قادر است اکثریت مطلق مردم ایران را برای رفاه خودشان بسیج کند، متحد سازد و متحدانه با قدرت عظیم یک خلق مسلح دشمن خارجی را درهم شکند. این راه در عین حال که دور می‌نمایاند و خونین است، ولی تنها راه نجات اکثریت کارگران، زحمتکشان و نیروهای مترقی جامعه و تنها راه کم هزینه انسانی و مالی‌ست. باید مصممانه در این راه گام برداریم و رژیم سرمایه‌داری - فاشیستی ایران و دخالت هرگونه نیروی خارجی در اوضاع داخلی کشور خود را از بیخ و بن برکنیم.

نظم کمونیستی

۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۵